

سکونت گروهی به نام بنی ثور در این کوه و مناطق پیرامون آن^۶ دلیل این نام گذاری باشد.

اهمیت کوه ثور از این رو است که پیامبر ﷺ هنگام هجرت به یثرب در غاری بر بالای این کوه، سه روز پنهان شد. ایشان با آگاهی از تصمیم مشرکان برای قتل خویش، حضرت علی^۷ را در رختخواب خود گزارد و راهی یثرب گشت. ایشان همراه ابوبکر با راهنمایی جبرئیل برای فریب مشرکان به سوی کوه ثور در جهت مخالف مسیر یثرب رفت و در غار ثور پنهان شد. مشرکان با بهره گیری از متخصصان ردیابی همچون کُز بن علقمه، به تعقیب ایشان پرداختند و رد پا را تا دهانه غار ثور پی گرفتند. تخم گذاری پرندگان، تنیده شدن تار عنکبوت یا روئیدن گیاهی کم دوام بر در غار، مشرکان را از یافتن پیامبر ناامید کرد. رسول خدا ﷺ پس از اقامتی سه روزه در این غار راهی یثرب شد.^۸ گویا تردد در مسیری که پیامبر ﷺ هنگام هجرت برای صعود به کوه انتخاب کرده بود، مشکل بود و از این رو، پاهای ایشان هنگام صعود دچار خونریزی شده بود.^۹

بر فراز کوه، دو غار نزدیک به هم وجود دارد که هر دو مخفی گاه پیامبر ﷺ هنگام

ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق؛ **النهاية**: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰۶ ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش؛ **وفاء الوفاء: السمهودی** (م. ۹۱۱ ق.)، به کوشش خالد عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶ م.

ابوالفضل ربانی



ثور (۲): کوه و غاری در جنوب مکه

کوه ثور به ارتفاع ۷۵۹ متر از سطح دریا در جنوب مکه در مسیر یمن و در سه کیلومتری مسجدالحرام و روبه روی کوه نور و غار حراء قرار دارد.^۱ این کوه از سنگ‌هایی به رنگ‌های طلایی، نقره‌ای و زغالی تشکیل شده است.^۲ (تصویر شماره ۳۴)

گویا نام اصلی آن اطحل (خاکستری) بوده است. ثور بن عبدمنات در دامنه این کوه تولد یافت و از آن هنگام، این مکان به ثور اطحل مشهور شد. بعدها نام ثور بر آن غلبه یافت.^۳ از این کوه با نام ابو ثور نیز یاد شده است.^۴ ممکن است شباهت منظر جنوبی آن به گاو (ثور)^۵ یا

۱. التاريخ القويم، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۶۳.

۳. معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶-۸۷ تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. رحلة ابن جبیر، ص ۸۳.

۵. معجم المعالم الجغرافية، ص ۷۲.

۶. خزنة التواريخ النجدية، ج ۹، ص ۲۱۸.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۰۷؛ امتاع

الاسماع، ج ۱، ص ۵۸.

۸. اخبار مکه، ج ۴، ص ۸۰.

در سده ۱۴ق. رسم بر این بوده که مردم مکه، شنبه‌ها و باقی مانده مردم در دیگر روزها از این کوه بازدید می‌کردند.^۸ در همان هنگام، برای راهنمایی بازدیدکنندگان، نشانه‌هایی سنگی در مسیر و بالای کوه نهاده بودند.^۹

کردی (م. ۱۴۰۰ق.) با اشاره به عبارتی از قاموس المحيط و نیز روایت ابوبکر از اقامت در غار، مدعی شده است که ورودی غار در دوره پیامبر در بخش بالای آن بوده و ورودی‌های کنونی بعدها ایجاد شده است.^{۱۰}

ابن جبیر (م. ۶۱۲ق.) از دو ورودی برای غار یاد کرده که یکی از آن‌ها فراخ‌تر بوده و مردم بیشتر از آن وارد غار می‌شدند.^{۱۱} بر پایه این گزارش، گویا در این دوره‌ها برای دسترسی آسان زائران به غار، ورودی دوم ایجاد شد؛ زیرا دهانه اصلی غار که در سمت قبله قرار داشت، بسیار تنگ بود و عبور از آن، مهارتی خاص می‌طلبید. به سال ۸۰۰ق. ورودی اصلی غار با تراشیدن سنگ‌ها به سبب به تنگنا افتادن شخصی در آن، اندکی گسترش یافت.^{۱۲} به

هجرت به یثرب شمرده شده‌اند. با توجه به همراهی ابوبکر و نیز عامر بن فهیره، راهنمای مسیر، با ایشان، می‌توان گفت غار گسترده‌تر، جایگاه اختفا بوده است. طول و عرض این غار ۳/۵ متر مربع و ارتفاع آن ۱/۳۰ متر است.^۱ آیه ۴۰ توبه/۹ که در آن، خداوند از یاری پیامبر و همراهش گزارش می‌دهد، به این رویداد و غار اشاره دارد.^۲

در روایتی از ابن عباس که پذیرش آن مشکل می‌نماید، کوه ثور محل کشته شدن هابیل خوانده شده است.^۳ بر پایه روایت‌های اسطوره‌ای، کوه ثور یکی از قطعات کوه متلاشی شده پس از تجلی قدرت خداوند بر حضرت موسی عليه السلام و نیز یکی از کوه‌های پیوسته به زمین هفتم شمرده شده است.^۴ در روایتی دیگر، این کوه پیامبر ص را به سوی خود فراخواند و از پناه دادن خود به هفتاد پیامبر گزارش داد.^۵

غار ثور* همواره مورد توجه مسلمانان بوده و افراد بسیار در دوره‌های گوناگون برای دیدن آن از کوه بالا می‌رفتند.^۶ گویا

۱. تاریخ و آثار اسلامی، ص ۹۶.

۲. البداية و النهايه، ج ۶ ص ۱۸۴؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۵۸.

۳. الجامع اللطيف، ص ۳۰۱؛ نک: التاريخ القويم، ج ۱، ص ۳۹۲.

۴. اخبار مکه، ج ۴، ص ۸۲؛ انارة الترغيب، ج ۲، ص ۳۱۱.

۵. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۳۶.

۶. الجامع اللطيف، ص ۳۰۰.

۷. نک: تحصيل المرام، ج ۱، ص ۵۱۱-۵۱۲.

۸. موسوعة مرآة الحرمين، ج ۲، ص ۹۱۲.

۹. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۶۱.

۱۰. نک: التاريخ القويم، ج ۲، ص ۳۹۴؛ افادة الانام، ج ۲، ص ۱۸.

۱۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ الرحلة الورتيلانية، ج ۲، ص ۴۷۵؛ الجامع اللطيف، ص ۳۰۰.

۱۲. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۴۰۹.

چند خیابان با نام خیابان ثور، جاده طائف و جاده کُدی قرار گرفته است^۵ و راه‌های متعدد برای بالا رفتن و پایین آمدن از کوه وجود دارد.^۶ سعودی‌ها به تقدس این مکان باور ندارند و از این رو، امکاناتی خاص برای بازدیدکنندگان بی‌شمار آن فراهم نکرده‌اند. کوه ثور از مکان‌های استجابت دعا به ویژه هنگام ظهر دانسته شده است^۷ و نماز خواندن در غار ثور استحباب دارد.^۸ شیخ مرتضی انصاری، دانشور گرانقدر شیعی، در مناسک خود دعایی ویژه قرائت در کوه ثور آورده است.^۹

◀ منابع

اتحاف السوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ اثار الترغیب: محمد بن اسحق الخوارزمی (م. ۸۲۷ق.)، به کوشش الذهبی، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۸ق؛ اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ ادعیه و آداب مکه مکرمه: مرکز تحقیقات حج، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ افادة الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۱۲۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ امتاع

سال ۸۱۰ق. یا کمی بیش از آن، امیر تغری برمش ترکمانی مسؤول پخش صدقات در حرمین از سوی مملوکیان، این ورودی را به سبب به تنگنا افتادن مردم هنگام ورود به آن، بست. پیشوای حنفیان مکه، محمد خوارزمی مشهور به معید، از این کار انتقاد کرد و خواستار بازگشایی غار و توبه وی شد.^۱ حسام السلطنه در سفر حج خویش به سال ۱۳۷۹ق. از وجود درختی در برابر غار یاد کرده است.^۲ ناتوانی در ورود به غار، مایه پیدایش پندارهای نادرست در باره ورود به آن گشته بود و افرادی که موفق به ورود نمی‌شدند، در معرض اتهام قرار می‌گرفتند. به همین سبب و نیز برای آسانی رفت و آمد بازدیدکنندگان، شریف عون الرفیق (حک: ۱۲۹۹ق.) امیر مکه دستور داد تا ورودی غار گسترش یابد.^۳ عثمان پاشا نوری، حکمران حجاز، به سال ۱۲۹۹ق. و اسماعیل حقسی پاشا، حکمران حجاز، و شیخ الحرمین به سال ۱۳۰۷ق. کوشش‌های عمرانی در مسیر کوه ثور انجام دادند تا صعود به آن آسان‌تر شود. آن‌ها راه را به صورت پلکانی ماریج در آورده بودند.^۴ امروزه با گسترش شهر، کوه ثور در میان

۵. آثار اسلامی، ص ۱۶۰.

۶. اخبار مکه، ج ۴، ص ۲۰۳.

۷. اثار الترغیب، ج ۱، ص ۲۳۶.

۸. اخبار مکه، ج ۴، ص ۳۵.

۹. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۱. العقد النمین، ج ۳، ص ۲۵۵؛ اتحاف السوری، ج ۳، ص ۴۵۸-۴۵۹.

۲. سفرنامه مکه، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. التاريخ القويم، ج ۲، ص ۳۹۵.

۴. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۶۱-۶۲.

الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ البداية و النهايه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ بهجة النفوس و الاسرار: عبدالله المرجانی (م. ۶۹۹ق.)، به کوشش محمد عبدالوهاب، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م؛ تاریخ الخمیس: حسین الدیاربکری (م. ۹۶۶ق.)، بیروت، مؤسسه شعبان، ۲۸۳ق؛ التاريخ القويم: محمد طاهر الکردی، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره: اصغر قائدان، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ تحصیل المرام: محمد بن احمد الصیغ (م. ۳۲۱ق.)، به کوشش ابن دهیش، ۱۴۲۴ق؛ الجامع اللطیف: محمد ابن ظهیره (م. ۹۸۶ق.)، به کوشش علی عمر، قاهره، مکتبه الثقافة الدینییه، ۱۴۲۳ق؛ خزانه التواریخ النجدیه: عبدالله بن عبدالرحمن آل بسام، ۴۱۹ق؛ الرحلة الوریلیانیه: حسین بن محمد وریلیانی (م. ۱۷۷۹م.)، قاهره، مکتبه الثقافة، ۱۴۲۹ق؛ رحلة ابن جبیر: محمد بن احمد (م. ۱۴ق.)، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۶م؛ سفرنامه مکه حسام السلطنه: رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۷۴ش؛ شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ مرآة الحرمین: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ معجم البلدان: یاقوت

الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم المعالم الجغرافیه: عاتق بن غیث البلاذری، دار مکه، ۱۴۰۲ق؛ موسوعة مرآة الحرمین الشریفین: ایوب صبری پاشا (م. ۲۹۰ق.)، قاهره، دار الأفاق العربیه، ۱۴۲۴ق.

ابوالفضل ربانی



تُویبیه: دایه پیامبر ﷺ

تُویبیه، کنیز ابولهب بن عبدالمطلب بود.^۱ از اصل و نسب و همسرش گزارشی در دست نیست. هنگامی که رسول خدا ﷺ زاده شد، سه^۲ یا هفت^۳ روز از مادرش حضرت آمنه رضی الله عنها شیر نوشید و سپس تُویبیه نخستین کسی بود که چند روز ایشان را با شیر فرزندش مسروح شیر داد.^۴ بر پایه سخن مشهور، مدت شیر خوردن ایشان از تُویبیه چند روز بیشتر نبوده است.^۵ در گزارشی نیز این مدت چهار ماه یاد شده است.^۶

آورده‌اند که تُویبیه پیش از رسول خدا ﷺ به

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۸؛ ج ۳، ص ۹۴۰؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۱.
 ۲. الصحیح من سیره النبی، ج ۲، ص ۶۸.
 ۳. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۹.
 ۴. الطبقات، ج ۱، ص ۸۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۸.
 ۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۱.
 ۶. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۲۲.